

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۲۷، صص ۱۰۱-۷۹

DOI: [10.22051/TQH.2015.2043](https://doi.org/10.22051/TQH.2015.2043)

فراز و فرود مکی و مدنی در تفسیر الحدیث

محسن قاسم پور^۱

سمیه خاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۰۷

تاریخ تصویب: ۹۳/۰۲/۲۰

چکیده

دروزه از مفسران معاصری است که تفسیر خود را بر اساس ترتیب نزول قرآن سامان داده است. از جمله دلایل او در تنظیم چنین تفسیری، فهم بهتر تفسیر قرآن بر اساس فرآیند نزول تاریخی قرآن است. دروزه شیوه امام علی(ع) را در جمع آیات قرآن پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) به عنوان پشتوانه چنین نگاهی در تفسیر قرآن به شمار آورده است. اهتمام به سیاق آیات و تقسیم سوره‌های قرآن به مکی و مدنی در تقسیم کلام الهی از محورهای بنیادینی است که دروزه اساس شیوه تفسیری خود را بر آن قرار داده است تأکید دروزه در تقسیم سوره به مکی و مدنی، به قاعده سیاق و مضمون باعث

ghasempour@kashanu.ac.ir

s.kharianani@yahoo.com

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان

شده که روایات در تفسیر او از جایگاه مهمی برخوردار نباشند و تمام همت او مصروف ایجاد نوعی رابطه و تبیین وحدت موضوعی بین آیات سوره‌ها باشد.

این رویکرد باعث گردیده در پاره‌ای موارد دروزه در تفسیر درست آیات الهی بر مبنای مکی و مدنی مسیر نادرستی طی کند و از پایبندی قواعد تفسیر و از جمله استناد به روایات صحیح - به مثابه مؤلفه مهم در فهم آیات - دور نشود. در عین حال دروزه در پاره‌ای موارد توانسته با التزام به نقش مکی و مدنی در تفسیر صحیح قرآن توفیق یابد.

واژه‌های کلیدی: تفسیر الحدیث، سبب نزول، مکی و مدنی، سیاق، وحدت موضوعی.

مقدمه

علوم قرآنی به دانش‌هایی اطلاق می‌شود که با کمک آنها می‌توانیم در مقام فهم آیات الهی توفیق یابیم. یکی از این نوع دانش‌ها، علم مکی و مدنی آیات و سور قرآنی است. اهمیت شناخت این موضوع به مثابه‌ی مقدمه‌ی فهم بهتر قرآن برای پژوهشگران حوزه‌ی قرآنی و حدیث انکار ناپذیر بوده است، به گونه‌ای که حتی برخی، آگاهی بدان را از مقدمات تفسیر و اشراف علوم قرآن بر شمرده‌اند. (زرکشی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲)

محمد عزت دروزه از مفسران معاصر فلسطینی است که پس از سال‌هایی که در زندان بود، تفسیر خود را در ترکیه و در هنگام تبعید در آن مکان به سامان رساند. این تفسیر مشتمل

۱. محمد عزه دروزه نابلسی فرزند عبدالهادی بن درویش بن ابراهیم متولد (۱۳۰۵ق / ۱۸۸۸م) در نابلس است. مقدمات علوم را در مدارس نابلس فرا گرفت، اما نتوانست به تحصیلات دانشگاهی ادامه دهد. مجموع دانش او حاصل تلاش‌های شخصی وی است. در سال ۱۹۵۶م به عضویت «مجمع اللغة العربیة» در قاهره درآمد و در سال ۱۹۵۸م در «المجلس الاعلی للفنون و الآداب و العلوم الاجتماعیة» عضویت یافت. از سال ۱۹۲۰م به تشکیلات حرکت ملی و انقلابی در فلسطین پیوست. و این رابطه تا سال ۱۹۳۷م ادامه داشت. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۳) وی از فلسطینیان متفکر و مبارز معاصر محسوب می‌شود و بارها در فلسطین و

بر مقدمه‌ای در چهار فصل و یک خاتمه است. کتاب *القرآن المجید* به عنوان مقدمه این تفسیر است، و در آن موضوعات مهم علوم قرآنی و روش درست تفسیر قرآن (به نظر این مفسر) که دربردارنده ده شاخص مهم است، که در کنار مطالب دیگری نظیر ساختار قرآن، وحی، تأثیر روحی و بلاغت قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

در میان این شاخص‌ها، محورهایی نظیر نظم و تناسب حاکم بر آیات و سوره‌ها و حتی خود سوره‌ها با همدیگر و نیز توجه به مقتضیات نزول و نقش کلیدی آن در فهم آیات الهی و رابطه آن با سیره نبوی مورد تاکید قرار گرفته است. با مطالعه این مقدمه و نیز دقت در فرآز و فرودهای این تفسیر، رویکرد و نیز شیوه حاکم بر اندیشه تفسیری دروزه، به دست می‌آید. رویکرد این مفسر که برآیند و حاصل دغدغه‌های عصری وی و نیز تخصص اوست، مبتنی بر شیوه عقلی - اجتهادی است. نگاهی گذرا بر مقدمه تفسیر او، بیانگر این شیوهی مذکور است. او بر آن است که قرآن را با توجه به مقتضیات عصر نزول و تحولات مربوط بدان تفسیر کند. لذا به عقیده او شیوهی درست تفسیر، شیوه‌ای خواهد بود مبتنی بر درک تحولات تاریخ ۲۳ سال نزول و نوع تعامل پیامبر اسلام(ص)، در فرازهای گونه‌گون حیاتش با اهل کتاب، مشرکان، منافقان و ...

دمشق از سوی انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها دستگیر و زندانی شد، و در سال ۱۹۴۸ سخت شکنجه گشت و پس از آن نتوانست به طور عملی در مبارزه شرکت جوید، در نتیجه تا پایان عمر خویش با زبان و قلم به مبارزه‌اش ادامه داد. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۳۱؛ دروزه، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۴۸۵-۴۹۱) وی بعد از سال ۱۴۰۰ و بنا به قولی دیگر در سال ۱۴۰۴ هجری قمری وفات یافت. (ایازی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۳-۴۵۲).

برخی آثار دروزه عبارتند از: «عصر النبی(ص) و بیته قبل البعثة من القرآن سیره النبی(ص) من القرآن»؛ «القرآن و المرأة»؛ «القرآن و الضمان الاجتماعي»؛ «القرآن و اليهود»؛ «القرآن المجید» که مقدمه «التفسیر الحدیث» است، «التفسیر الحدیث (حسب نزول)»؛ «الدستور القرآنی و السنه النبویه فی شؤون الحیاة»؛ «المرأة فی القرآن و السنه»؛ «الاسلام و الاشتراکیة»؛ «القرآن و المبشرون»؛ «القرآن و الملحدون»؛ «الجهاد فی سبیل الله فی القرآن و الحدیث»؛ «اليهود فی القرآن الکریم»؛ «القواعد القرآنیة و النبویه فی تنظیم الصلاة بین المسلمین و غیر المسلمین» و مجموعه مقالات اسلامی که در مجلات اسلامی کویت و عمان و دمشق به چاپ رسیده است (برای مجموعه آثار دروزه اعم از کتب اسلامی، کتب فلسطینی، کتب تاریخی و ملیتی را بنگرید به: رمضان یوسف، ۱۴۰۸ق، ص ۵۲۳-۵۲۶).

فصل‌های نخست و چهارم مقدمه‌ی تفسیر، آشکارا از اهمیت این نگاه تاریخی پرده بر می‌دارد. تعجبی ندارد که افزون بر تفسیر الحدیث یکی دیگر از آثار مهم دروزه، سیره الرسول؛ *صورة مقتبسة من القرآن العظيم* است. دروزه در این اثر، زندگی پیامبر(ص) را از رهگذر آیات قرآنی و با توجه به ترتیب نزول تاریخی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. از کنار هم قرار گرفتن تفسیر دروزه و سیره الرسول او به خوبی شیوه عقلی-اجتهادی او در تفسیر آشکار می‌گردد. او در تفسیر خود با تکیه بر سیاق و توجه به نظم آیات و به ویژه با توجه به مقتضیات نزول، هدف خود را در تفسیر پیگیری می‌کند. با توجه به این نگاه، پرسش‌های اصلی این مقاله چنین است که این نگاه تفسیری؛ یعنی اهمیت آگاهی از ترتیب نزول، تا چه اندازه این مفسر را در دستیابی به تفسیر منطبق با معیارهای صحیح، موفق ساخته است؟ مکی و مدنی به عنوان مؤلفه مهم مرتبط با ترتیب نزول چه جایگاهی در این تفسیر دارد؟ بین مکی و مدنی آیات و سور با غرض آیات که به نظر عزت دروزه از طریق سیاق به دست می‌آید، چه نسبت و رابطه‌ای وجود دارد؟

۱. تقسیم بندی سوره‌های قرآنی در تفسیر الحدیث

پیش از محمد عزت دروزه یکی از مفسران و مؤلفان عراقی قرن ۱۴ق به نام سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی سوره‌ها را در تفسیر خود به دو بخش کلی مکی و مدنی تقسیم و تفسیر خود را بر اساس آن سامان داده است. تنها اثری که برای ملاحویش یاد شده است، تفسیر او با عنوان *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول* است؛ وی در آغاز ضمن مقدمه‌ای مفصل از مباحث مرتبط با قرآن از جمله نزول آن، سخن گفته و کوشیده است ضرورت تفسیری بر اساس نزول را روشن نماید. (ر.ک: عواد، ۱۹۶۹م، ج ۲، ص ۳۰۳؛ کخاله، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۰۱)

چینش تفسیر دروزه به لحاظ قالب و ساختار، هم چون تفسیر مذکور، با تفاسیر موجود و متعارف، متفاوت است، بدین معنا که این تفسیر، پس از تفسیر ملاحویش تفسیر کاملی است که بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها تنظیم گشته است. بدین سان برجسته‌ترین ویژگی این تفسیر، شیوه تنظیمی آن بر همین اساس است. دروزه در روش تفسیری خود به مصحف امام

علی(ع) و روش ایشان در جمع قرآن نیز استناد می کند و در این راه حتی از دو تن از مفتیان سوری (شیخ عابدین، شیخ عبد الفتاح) استفتا کرده است (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰)

۲. معیارهای تشخیص مکی از مدنی

به طور کلی برای تمایز مکی از مدنی سه معیار وجود دارد:

الف) وجود روایات صحیح و موثق دالّ بر زمان، مکان یا موضوع نزول سوره.

ب) وجود ملاک های عمومی یا غالب صحیح در سور مکی و مدنی و نیز علائم صوری و ظاهری، یعنی شناخت مکی و مدنی با ویژگی های ظاهری آن. مثلاً کوتاهی آیات یک سوره و نیز کوتاهی خود سوره نوعاً مکی بودن آن را می رساند و بلندی آیه های یک سوره علاوه بر بلندی سوره نوعاً نشانه مدنی بودن آن است. وجود خطاب «یا ایها الناس» و لفظ «کلاً» در سوره، نشانه مکی بودن آن است. وجود خطاب «یا ایها الذین آمنوا» نشانه مدنی بودن سوره است. (زرکشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹)

البته باید توجه داشت که به صرف وجود علائم یاد شده در سوره ای، نمی توان به طور قاطع به مکی یا مدنی بودن آن حکم کرد، زیرا علائم مزبور اغلیبی و اکثری است نه کلی.

ج) سیاق آیات و مطالب موجود در سوره، علائم محتوایی؛ یعنی پی بردن به مکی یا مدنی بودن سوره از طریق نوع محتوا و مفاد آیات آن. مثلاً گفته می شود، بحث درباره اصول معارف و اصل ایمان و دعوت به اسلام و حکایت قصص امم سالفه از ویژگی های غالب سوره های مکی است و در سوره های مدنی بیشتر از تفصیل احکام سخن گفته شده است.

دعوت به پایبند بودن به اخلاق حسنه و استقامت در رأی و سلامت عقیده و ترک لجاجت و عناد و نیز برخورد تند با عقاید باطل مشرکان و ناچیز شمردن اندیشه های تهی و بی اساس آنان از خصایص سوره های مکی است؛ در حالی که برخورد با اهل کتاب و دعوت آنان به میانه روی در افکار و عقاید و نیز مبارزه با منافقان و بیان صفات آنان و دعوت به جنگ و جهاد با کفار، از ویژگی های سوره های مدنی است. (در این موضوع ر.ک: زرکشی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۸۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۰-۶۸؛ معرفت، ۱۳۸۱ ش، ص ۸۳-۸۴؛ حکیم، ۱۳۷۸ش، ص ۲۳۵-۲۲۸).

دقیق‌ترین و مطمئن‌ترین راه، سوّمین مورد است که مورد توجّه بسیاری از علما نظیر علّامه طباطبایی بوده است.

۳. مهم‌ترین ملاک شناخت آیات مکی و مدنی از دیدگاه دروزه

دروزه مهم‌ترین ملاک تمایز و شناخت آیات مکی و مدنی را، سیاق و تناسب آیات می‌داند و بر اساس همین معیار، در ارزیابی، قبول یا رد روایاتی که ناظر به سبب نزول آیاتند، داوری می‌کند. البته این نگاه به سیاق در پاره‌ای موارد می‌تواند قابل نقد باشد که در ادامه مقاله به آن اشاره می‌گردد. به اعتقاد دروزه گزاره‌های قرآنی به مجموعه‌های به هم پیوسته و متنوعی دسته‌بندی می‌شود. در هر فصل و مجموعه‌ای تعداد قابل توجهی از واژه‌ها، آیات و احياناً سوره‌ها، محیط و قالب کلامی را تشکیل می‌دهد که هدفمندانه دنبال هم قرار گرفته‌اند.

بر این اساس تناسب و پیوستگی هر مجموعه‌ای از آیات همان گونه که با وحدت موضوع تحقق پیدا می‌کند، با سبک، نزول و تنظیم خاص نیز خود را نشان می‌دهد. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۹)

بدین سان سیاق و تناسب، برای تشخیص اختلاف سوره‌های مکی و مدنی در نظر وی اهمیتی خاص می‌یابد. آگاهی بر جنبه‌های پیوسته و انسجام آیات یک مجموعه صرفاً از رهگذر توجه به همین سیاق و اسلوب یک پارچه واحدهای نزول بدست می‌آید و بر اساس چنین پیوستگی حاکم بین آیات و سوره‌ها دروزه می‌گوید: «فان القرآن یکاد یکون سلسله تامه يتصل بعضها ببعض اوثق اتصال»؛ یقیناً قرآن به زنجیر کاملی می‌ماند که حلقه‌های آن محکم‌ترین اتصال و ارتباط را با همدیگر دارد. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۹۸)

بنابراین یک پارچه بودن بیشتر آیات و عبارات یک سوره با همدیگر از مشخصه‌های نگاه تفسیری اوست. کوشش وی برای توضیح بیشتر بین آیات نیز از همین رهگذر قابل درک است. برای نمونه در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِئِيَّةٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (الانعام: ۱۵۹) مضامین و مفاهیمی وجود دارد که این مضامین و مفاهیم در آیات: «مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

. مِنْ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (الروم: ۳۱ و ۳۲) نیز آمده است یعنی یک آیه با آیه‌ی دیگر تفسیر می‌شود.

بر اساس آیه سوره انعام و آیات سوره روم که هر دو مکی اند، دروزه نتیجه می‌گیرد اقوالی که بر تفرق امت اسلام و فرقه فرقه شدن آنها دلالت دارد با توجه به سیاق این آیات قابل قبول نیست. اما این نگاه به سیاق و ملاحظه آن به عنوان یک قاعده تفسیری ما را نباید از دیگر ظرفیت های وسیع معنایی عبارات قرآنی غافل سازد. مثلاً در همین آیه مورد بحث به تعبیر علامه طباطبایی صیغه ماضی «فَرَّقُوا» برای اصل تحقق است، چه در گذشته و چه در حال و چه در آینده و آیه مطلق است و بیزاری رسول خدا(ص) هم از مشرکین است و هم از یهودیان و نصاری مشرک، اما بیزاری رسول خدا از اهل بدعت و تفرقه افکنان در میان امت اسلام هم می‌تواند مطرح باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۸۹)

سیاق به این معنا و با این گستره، کارآیی‌های مختلف دارد. در پرتو آن علاوه بر آشکار شدن ترتیب نزول، بخش‌های مختلف قرآن همدیگر را توضیح می‌دهد، روایات صحیح و باطل مربوط به تفسیر و اسباب نزول بازشناسی می‌شوند، از تفسیرهای ناروای آیات پیشگیری به عمل می‌آید (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۹).

مطالعه و شناسایی سیر تکاملی دعوت و سیره نبوی در دو مقطع مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، قوانین تشریح شده قرآنی (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۱۹۸ و ۲۰۱)، شرایط زمانی و مکانی نزول آیات و عام و خاص آنها امکان‌پذیر می‌گردد (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۹) و اسباب نزول مربوط به یک آیه یا قسمتی از یک آیه و نیز تفسیر یک آیه جدا از سیاق آن، غیر قابل قبول می‌نماید. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۲)

در کنار مطالعات مضمونی آیات، اهتمام و دقت قابل توجهی را درباره سیاق و کشف پیوستگی و گسستگی آیات از نظر سبب نزول و موضوع در این تفسیر ملاحظه می‌شود. کار بست برخی تعابیر در این تفسیر که پر بسامد نیز می‌باشد مانند: «ان هذه الآيات والآيات السابقة سیاق واحد و نزلت معا»، «الآیه فصل تام لذاتها» و «و المتبادر انها متصله سیاقا و موضوعا بالآیات السابقة» که ضمن آنها سبب نزول و ارتباط آیه یا آیاتی با آیات پیشین و پسین بررسی شده است. از این نظر بهترین مؤید و شاهد بر اهمیت نقش سیاق است.

نکته دیگری که در همین جا باید مورد تاکید قرار بگیرد شیوه تفسیر قرآن به قرآن در نظر دروزه است که از مشخصات تفسیری او به شمار می آید. البته وی خود را در این روش مبتکر نمی داند، اما معتقد است در بین تفاسیر قدیم و جدید کسی مانند او به همه مؤلفه های این روش تفسیری پای بند نبوده است.

۴. ملاک سیاق در تشخیص سوره ها

شایسته است برخی نمونه ها در بحث مکی و مدنی، در تفسیر الحدیث با تکیه بر سیاق نقل و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یکی از نمونه ها، مکی دانستن تمام سوره اسراء و رد روایاتی است که برخی آیات آن را مدنی دانسته اند. دروزه در ابتدای تفسیر این سوره گفته است که: «عده ای بر این عقیده اند که آیات ۲۶، ۳۲، ۵۷ و آیات ۷۳ تا ۸۰ این سوره مدنی اند». (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۵۱)

قول به مدنی بودن برخی از آیات این سوره بر اساس گزارش آلوسی از تابعینی نظیر حسن بصری، قتاده و مقاتل نیز نقل شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲) محمد عزت دروزه معتقد است با توجه به سیاق یک پارچه این سوره روایاتی که برخی آیات این سوره را مدنی می دانند، قرین صحت نیست. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۵۱) زیرا این مفسر در ابتدای سوره اسراء به موضوعات و مضامین مشتمل بر آن از قبیل ماجرای معراج رسول الله (ص)، قصه آدم و ابلیس، داستان موسی و فرعون، بر شمردن تلاش و مواضع کافران در برابر پیامبر (ص) و تسلیت به ایشان و تاکید بر پشتیبانی از وی اشاره کرده است.

این شاخص ها و محورهای که از سوی این مفسر مطرح شده از علائم و نشانه های سور مکی به شمار می آید. (ر.ک: زرکشی، ج ۱، ص ۱۸۹) بنابراین اهمیت کشف و تثبیت سیاق از نظر دروزه با توجه به محورهای مذکور، وی را بر آن داشته که به استناد به سیاق این روایات را مورد پذیرش قرار ندهد. برخی مفسران دیگر نیز مانند علامه طباطبایی در ذیل تفسیر برخی آیات این سوره، جمله ای دارند که به نحوی تایید گفتار دروزه است. برای نمونه علامه ذیل آیه ۲۶ که موضوع انفاق به ذی القربی مطرح است، چنین آورده است:

«انفاق به ذی القربی و مسکینان و در راه ماندگان قبل از هجرت واجب شده، برای این که آیه مکی است و در سوره مکی قرار دارد». در ادامه ایشان چنین تصریح کرده است: «لیکن در مضامین آیات مذکور هیچ دلیلی بر اینکه در مدینه نازل شده باشند دیده نمی شود، و احکامی هم که در این آیات هست احکامی نیست که نزولش اختصاص به مدینه داشته باشد، چون نظائر آن در سوره های مکی نیز دیده می شود، مانند سوره انعام و اعراف». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵ و ۶)

نمونه دیگر درباره سوره زلزال است که بر اساس برخی روایات، مدنی ساخته شده است. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۴۳۳؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۶) ولی چون در مورد هشدار به روز قیامت و حسابرسی می باشد، بنابراین موضوع و مضمونش، مربوط به سوره های مکی است. بر این اساس، دروزه در ابتدای تفسیر سوره الزلزله می نویسد: برخی از مفسران مانند بغوی و ابن کثیر آن را مکی گفته اند و برخی در مکی یا مدنی بودن آن به سبب متعدد بودن روایات، اختلاف دارند. اما با توجه به ساختار ظاهری سوره و محتوای آن که بر بنیادهای ایمان و اعتقادات آدمی که در اعتقاد به قیامت تبلور می یابد، تاکید می کند مکی بودن مقبول می افتد. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۱۱۸)

نمونه دیگر درباره سوره تکوین است که بر اساس روایات مدنی شناخته شده است. (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۶) ولی نامبرده با استناد به سیاق و مصداق آن را مکی می داند زیرا که در آن نوعی انذار مشرکان و کافران مطرح شده است. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۵)

نمونه دیگر سوره ماعون است که بر اساس برخی روایات مدنی است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۴۷۴) همان طور که قول به این که فقط سه آیه آخر آن مدنی است، هم گفته شده است، ولی دروزه تصریح کرده با توجه به مضمون و محتوا کل سوره مکی است، زیرا با اهداف دعوت مکی ها هماهنگ است. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۸).

چنین می نماید که این گونه داوری از سوی مفسر که بر اساس آن روایات مدنی بودن این سور، مقبول نمی افتد، نشأت گرفته از این دیدگاه مفسر است که به نظر وی سوره های مکی غالباً هر کدام یک موضوع را مورد بحث قرار می دهد و بیشتر این قبیل سوره ها نیز

سوره‌های کوتاه مکی (نظیر سوره‌های فوق) است. اگر تعدادی هم دارای وحدت موضوع نباشند، فصول و مجموعه‌های به هم پیوسته‌ای به شمار می‌آیند. این به هم پیوستگی نشانه نزول تدریجی ولی از پی هم و به صورت سلسله وار و جدا از نزول آیات از سوره‌های دیگر است. (بنگرید به گفتار مفسر در این باره: دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۹)

بر اساس گفته مفسر باید چنین استنباط کرد که سوره‌هایی از قبیل سوره‌های مذکور که روایات مدنی بودنش پذیرفتنی نمی‌نماید، به دلیل وحدت موضوع کلی آن است که محوریت آن بنیادهای ایمانی، انذار مشرکان و موضوع معاد از مهم‌ترین شاخصه‌های چنین سوری است.

مثال دیگر در این زمینه سوره عنکبوت است که بر اساس برخی روایات آیات ۱ تا ۱۰ آن مدنی است، ابن جریر از قتاده روایت کرده که گفت: از آیه: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ ... وَكَيْلَمَنْ الْمُنَافِقِينَ» (الاسراء: ۱۰-۱۱) درباره عده‌ای نازل شد که مشرکین آنها را به زور به مکه برگرداندند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۸۳) و این ده آیه در مدینه نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۴۱) همچنین سیوطی روایت دیگری را از طریق طبری از ضحاک آورده که گفت آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ» (الاسراء: ۱۰)، درباره جمعی از منافقین مکه نازل شده، که ایمان می‌آوردند، ولی همین که خود را در معرض خطر می‌دیدند، و یا شکنجه می‌شدند، به کفر سابق خود بر می‌گشتند، و اذیت مردم را در دنیا با عذاب آخرت خدا یکسان می‌شمردند. (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۴۲)

ولی به نظر عزت دروزه این سوره با توجه به سیاق آن مکی است چون محتوا و مضمون آن به گونه‌ای است که با سوره‌های مدنی تناسب ندارد. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۶۵). بدین سان روایت ناظر بر مدنی بودن این آیات از نظر وی پذیرفتنی نیست.

نامبرده بسیاری از روایات اسباب نزول که آیه‌ای را ناظر به فرد معین می‌داد، غیر قابل اعتماد می‌شناسد و با استناد به سیاق، در پی اثبات عمومیت مفهوم آیه است. از این رو روایتی را که می‌گوید آیه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الانفال: ۶۴) موقع ایمان آوردن عمر نازل شد، و در نتیجه مکی است، ساخته تعصب اهل سنت است؛ این در

حالی است که به نظر وی به دلیل پیوستگی این آیه با آیات جهاد و سازگار با فضای مدینه، مدنی است. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۰۸)

روایات اسباب نزول، از نزول آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (النساء: ۵۸) موقع فتح مکه خبر می‌دهد و اینکه بر اساس آن، پیامبر موظف گردید تا عثمان بن طلحه را در مقام کلیدداری کعبه ابقا نماید، ولی سیاق از ارتباط آن با آیات مربوط به حکومت و برخورد با منافقان خبر می‌دهد. بنابراین مخاطب آیه از نظر دروزه باید حاکمان و اولی الامر باشند. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۱۴۷-۱۴۶)

در یک جمع بندی کلی چنین می‌توان تاکید کرد که مبنای سیاق و تناسب برای تشخیص اختلاف سوره‌های مکی و مدنی از نظر دروزه بسیار مهم است. فراموش نکنیم وجه غالب نگرش او در نگرش به مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآنی، یک پارچه بودن آنها و در نتیجه نزول یکباره آنها در فضای مکه و یا مدینه است اما در عین حال مستثنیاتی را هم قائل است.

بدین صورت که او از یک طرف آن طور که خود می‌گوید به روایاتی که ۱۴۷ آیه مدنی را در ۲۴ سوره مکی جایز می‌شمرد، به دیده تردید می‌نگرد، اما از سویی دیگر تعداد کمی از آیات مدنی بین سوره‌های مکی و تعدادی از آیات مدنی بین سوره‌های مکی را جای می‌دهد. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۳۷۹؛ ج ۶، ص ۵۶ و ۶۸)

۵. تفاوت ظاهری و محتوایی سوره‌های مکی و مدنی

سوره‌های مکی و مدنی سبک و سیاق متفاوتی دارند. توجه به هر کدام از تفاوت‌های محتوایی و ظاهری به نحوی در تشخیص آن موثر واقع می‌شود. به گفته دروزه: «از نظر سبک ظاهری، آیات سوره‌های مکی موزون و آهنگین است، ولی آیات مدنی طولانی و فاقد سجع و قافیه می‌باشد». (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۲۶۷) بدین سان همان گونه که پیش از این تاکید گردید، دروزه در یکجا نازل شدن بیشتر سوره‌های مکی تاکید دارد. استدلال وی تفاوت مراتب در آهنگین بودن سوره‌های کوتاه با سوره‌های بلند مکی ولی به هم پیوسته

و منسجم آنهاست. از دیدگاه وی سوره‌های کوتاه مکی، منسجم و دارای سجع و نظم و آهنگ خاصی است و این بیانگر یکجا نازل شدن آنهاست.

دیگر سوره‌های مکی که گرچه کوتاه نیستند اما دارای وحدت موضوعی و انسجام یک پارچه‌ای است که این نیز به نوبه خود بر یکجا نازل شدن این سوره‌ها دلالت دارد. (دروزه، ۱۳۶۷، ص ۱۴۴) چنین می‌نماید که از نظر دروزه، سور کامل نازل شده در مقایسه با دیگر سوره‌های مکی که کامل و به طور یکجا نازل نشده، بلکه به صورت مجموعه‌های به هم پیوسته ولی در یک امتداد زمانی نازل گردیده به لحاظ مضامین معرفتی و نوع آموزه‌های آن شبیه به هم هستند.

۶. جان مایه سخنان دروزه در تفاوت سوره‌های مکی و مدنی

دروزه در این بحث نکته‌ای تازه که بتوان گفت در مقایسه با سخنان پیشینیان بدیع است، نیاورده و نهایت عبارت پردازی‌های جدید و سخنان کلیشه‌ای وی با حفظ محتوای سخنان عالمان گذشته است که بر زبان وی رانده شده است. مثلاً کسانی مانند برهان الدین بقاعی در *نظم الدرر* که بحث تناسب را مطرح کرده‌اند، به نوعی بحث غرض داشتن هر سوره و انسجام کلی آن را در مبحث تناسب مدنظر قرار داده‌اند.

همچنین عالمانی که در خصوصیات ظاهری سور مکی و مدنی بحث کرده‌اند مانند باقلانی به موزونیت سور مکی که به نادرستی سجع به آن نام نهاده بودند، اشاراتی داشته است. تلاوم و فواصل، دو مقوله‌ای است که تحت عنوان آهنگین بودن الفاظ قرآنی آنها را مطرح کرده است. (باقلانی، ص ۲۷۰) بلی او بر اساس یک تقسیم بندی اولیه کل آموزه‌های قرآنی را به دو بخش اساسی تقسیم می‌کند: آموزه‌هایی که در حکم اهداف قرآنی هستند و مضامینی که به مثابه روش‌هایی هستند در خدمت تایید اهداف و اصول این معارف.

او بر این باور است که اهداف قرآنی در سوره‌های مکی مندرج است و وسایل و روش‌های رسیدن به این اهداف متعالی در سوره‌های مدنی جای گرفته است. به نظر او در سوره‌های مکی، یکتا پرستی و هدایت انسان و مبارزه با شرک و توحید محوری پایه اصلی سور مکی است. اگر از ذکر داستان‌های انبیاء، معطوف به اندرز و بشارت سخن به میان آمده

در نهایت در خدمت همین توحید محوری و یکتاپرستی و هدایت است؛ که به اندرز و بشارت‌هایی هم معطوف است. محورهای عمده در سوره‌های مدنی، قوانین قضایی و مسائل اجتماعی در قالب تشریح قانون و مبارزه و رویارویی با یهودیان اهل کتاب و جریان نفاق است.

به اعتقاد دروزه در هر دو فضای مکی و مدنی توصیف جنبه‌های گونه‌گون صحنه‌های آخرت، سخن از جن و ملائکه و جدال وجود دارد. (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۵۷) چنان که ملاحظه می‌شود بیشتر محورهای متمایز در این تقسیم‌بندی‌ها در لابلای سخنان عالمان و مفسران دیگر هم وجود دارد. در نظر محمد عزت دروزه هم سوره‌های مکی و هم سوره‌های مدنی دارای وحدت موضوع هستند. اما این وحدت موضوع درباره سوره‌هایی که یک باره نازل شده‌اند، چشمگیر و برجسته می‌نمایند. از طرف دیگر هم در سوره‌های مکی و هم در سوره‌های مدنی وجود فاصله در نزول آیات قرآنی عدم پیوستگی در نزول را موجب گردیده ولی دروزه سخنی از عدم وحدت موضوع به میان نیاورده گرچه به وحدت موضوع هم تصریح نمی‌کند.

۷. معیار مکان و زمان در تبیین مکی و مدنی سوره‌ها و آیات

سبک ظاهری و ویژگی‌های محتوایی تنها وسیله تشخیص سوره‌ها نیست، بلکه معیار تعیین مکان و یا زمان نزول آیاتی که در مورد مکی و مدنی بودن آنها اختلاف است نیز از دیگر معیارهای این مبحث است، و به وسیله این ویژگی‌ها، مکی بودن آیاتی که از نظر روایات مدنی هستند، ولی در چارچوب سوره‌های مکی قرار دارند و مدنی بودن آیاتی که بر اساس روایات مکی هستند، ولی در سوره‌های مدنی ثبت شده‌اند، مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

همچنین اساس معیار زمان تقدم برخی سوره‌های متأخر و تأخر بعضی از سوره‌های متقدم مورد شناسایی قرار می‌گیرد و مکی بودن سوره‌های حج، رعد، الرحمن، انسان، زلزله که در مصحف قدور اعلی مدنی بودن آنها ثابت شده و حتی مکی و مدنی بودن سوره‌های کوتاه دیگر که روایات در آن اختلاف دارند از نمونه‌های قابل ذکر در این بحث است.

(دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۸)

روایات مختلفی در مورد ویژگی بعضی سوره‌ها وجود دارد که بعضی از سوره‌ها را در زمره سوره‌های مکی می‌داند یا بالعکس. مثلاً بعضی روایات سوره‌های رعد، حج، رحمن، انسان، زلزله، فلق، ناس، اخلاص، کوثر، قریش، عصر، عادیات، قدر، مطففون و فاتحه را مدنی می‌دانند در حالیکه روایات دیگر آن سوره‌ها را مکی فرض کرده‌اند. سوره‌های حدید، صف، تغابن و یثبه که بعضی روایات آنها را مکی می‌دانند، در حالیکه بر اساس برخی روایات دیگر آنها مدنی‌اند. بر این اساس در هنگام بروز چنین تعارضاتی تکیه بر روایات تعیین کننده نیست و کسانی نظیر دروزه با تکیه بر معیار مضمون و سیاق، مکی بودن آیات و سوره را مشخص می‌کنند.

۸. نقش مکی و مدنی در تفسیر آیات از نظر دروزه

یکی از فواید مهم شناخت مکی و مدنی، نقش و تاثیر آن در فهم آیات و تفسیر است. به عنوان نمونه در آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» که سخن در این است که مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» چیست؟ گروهی چون سعید بن جبیر آن را عبد الله بن سلام دانسته‌اند، این در حالی است که وی در مدینه اسلام آورد. افرادی مثل علامه طباطبایی و محمد عزت دروزه با توجه به محتوا و سیاق به تفسیر این آیه پرداخته و بیان می‌دارند که نمی‌توان به خاطر یک روایت که سوره را مدنی دانسته، آن را مدنی دانست.

به نظر ایشان مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» چون اعلم است به کتاب خدا، در این سوره مقولاتی مانند ایمان و توحید که موضوع آیات و سوره مکی است، مورد تاکید قرار گرفته و امام علی (ع) نیز با توجه به اشراف به چنین مقولاتی مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» است. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۳۵۵).

نمونه دیگر در این زمینه آیه ۶۰ سوره اسراء است «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا». تفسیر خازن و کشاف روایاتی آورده‌اند که پیامبر (ص) شب را به صبح رسانید در حالیکه در اندیشه بود؛ به ایشان گفته شد یا رسول الله چه شده؟ و پیامبر

فرمودند در خواب دیدم بنی امیه بر منبر من به سان بوزینه گانی بالا و پایین می روند که این روایت اقتضا می کند که این آیه مدنی باشد، و در تفسیر طبرسی روایتی از امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) آمده است که منظور از «الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ» همان بنی امیه می باشند. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۴۰۴)

دروزه گرچه این روایات را که در فهم درست آیه موثر است، نقل کرده اما خود بر این مبنا که تمام سوره در مکه نازل شده، مدنی بودن این آیه را نمی پذیرد. از نظر وی داستان این رؤیا مربوط به معراج است که در دوران مکه اتفاق افتاده است. در پاسخ او می توان گفت که سیر معراجی پیامبر جسمانی - روحانی است و در عالم بیداری است نه در خواب.

نمونه دیگر مواجهه محمد عزت دروزه با موضوع جهاد ابتدایی بر اساس تفسیر آیات ۵ و ۲۹ سوره توبه است که تعدادی از مفسران بنا به گفته او با استناد به چنین آیاتی مشروعیت چنین جهادی را نتیجه گرفته اند. عزت دروزه عقیده دارد در صورت توجه به سیاق و بافت حاکم بر آیات پیش از این دو آیه، به خوبی نادرست بودن این تفسیر به دست می آید. وقتی دروزه بین این قبیل آیات و آیه ناظر بر آزادی مردم در برابر وحی و دعوت پیامبر نوعی تعارض ظاهری می بیند، بر خلاف برخی قدامای مفسر که در چنین مواضعی قائل به نسخ می شوند (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹۷-۹۹) آیه را در پرتو اصول و مبانی تفسیر خود از جمله لحاظ کردن قاعده سیاق و توجه به قرآن مکی و مدنی تفسیر می کند. از نظر وی سیاق این آیات به مشرکان پیمان شکن اختصاص دارد و مقوله ای به نام جنگ ابتدایی را بر اساس سیاق آیات نمی توان نتیجه گرفت.

۹. نقد و ارزیابی میزان وفاداری دروزه به معیار مکی و مدنی

پیش از این تاکید گردید که از دیدگاه دروزه غالباً نزول مکی و مدنی سوره ها به یک باره بوده است؛ اما این نکته نیز تاکید شد که وی در این بحث به استثناهایی هم قائل است. به دیگر سخن صرف نظر از برخی استنهاها، این مفسر معتقد است هر سوره ای که مکی است تمام آن مکی و سوره ای که مدنی است تمام آن مدنی است. با توجه به این مبنا و قبول برخی استنهاها توسط دروزه به سراغ برخی آیات می رویم که کمترین تردیدی در سبب نزول آنها

در مورد اهل بیت (ع) نمی‌رود، اما با این همه دروزه از قبول آن امتناع ورزیده و چنین رویه‌ای در تفسیر او از نقاط ضعف تفسیرش در بحث مکی و مدنی به شمار می‌آید.

به بیان دیگر توجه دروزه به سبک و سیاق آیات و لزوم تناسب و هماهنگی روایات با سیاق و مضمون آیات قرآنی او را به رد یا تأویل برخی احادیث سوق داده است. شاهد مثال ما در این بحث، مواجهه تأمل برانگیز دروزه با آیاتی است که موضوع آن ذی القربی، اجر پیامبر (ص) در رسالت، ولایت امام علی (ع) و مقولاتی از این دست است.

تفسیر صحیح این قبیل آیات با معیارهای اذعان شده دروزه و لزوم رعایت آن در فرایند فهم آیات الهی هیچ گونه مباینتی ندارد، همانند رویکرد مفسرانی نظیر علامه طباطبایی در تفسیر این قبیل آیات که هم به قاعده سیاق ملتزم بوده و هم در پذیرش مکی و مدنی بودن سور قرآنی چندان به روایات اهمیت نداده (و از این نظر شبیه هم هستند) و بر اساس قواعد مضمونی عمل می‌کنند.

رویه این مفسر (دروزه) از اسلوب و ساختار تفسیر معتبر فاصله گرفته است. جان کلام این که اگر بر مبنای پذیرفته شده دروزه بتوان وجود برخی آیات مدنی در سور مکی را جایز دانست، هرچند در حد مواردی محدود چرا چنین آیاتی جزء این قبیل موارد نباشد؟ مگر نه این است که دروزه قرآن موجود را توقیفی می‌داند و یکی از منابع اثبات چنین دیدگاهی را روایات می‌داند (نک: دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۶)

نمی‌توان گفت دروزه همه روایات مربوط به ترتیب نزول سوره‌های قرآنی را نادرست می‌داند. زیرا که خود وی گفته است: «و مع ذلك فإن هذا لا یعنی أن الترتیبات المستنده إلى روایات قدیمه أو المنسوبة إلى أعلام الصحابة و التابعین غیر صحیحه كلها، أو أنها لا یصحّ التعویل علیها» (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۳)

از سوی دیگر دروزه اساس تقسیم بندی‌اش در سوره‌های مکی و مدنی مبتنی بر مصحفی است به نام مصحف خطاط ترکیه عثمانی، مصطفی نظیف قدور اوغلی چنان که خود وی در این زمینه تصریح کرده است: «قد اعتمدنا الترتیب الذی جاء فی مصحف الخطاط قدر و اوغلی لأنه ذکر فیه أنه طبع تحت إشراف لجنة خاصة من ذوی العلم و

الوقوف، حیث یتبادر إلى الذهن أن يكون قد أشير إلى ترتيب النزول فيه». (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۳)

در هر حال از این عبارات، چنین به دست می آید که توجه به روایات ناظر بر شناخت مکی و مدنی به طور غیر مستقیم هم که شده، نادیده گرفته نمی شود. سخن ما در این زمینه نیز همین است که چرا به رغم چنین تصریحات و ادعاهایی آن نگاه خاص در مواجهه با آیاتی که به اهل بیت(ع) ناظر است در تفسیر دروزه اعمال می شود؟ برای مثال از سویی دروزه ابایی نمی بیند که آیاتی از یک سوره جدا جدا نازل گردد و نزول با فاصله ای تحقق یابد، اما از سوی دیگر نمی خواهد پذیرد سبب خاصی در نزول آیه ولایت مطرح باشد چرا که نظم، انسجام و وحدت موضوع آن به هم می خورد.

۱۰. نقش قرآن مکی و مدنی در تبیین سیره نبوی(ص)

تلقی دروزه این است که قرآن، دوره کامل سیره پیامبر(ص) را از آغاز تا پایان به صورت نظام یافته و رو به تکامل و گسترش نشان می دهد. به اعتقاد دروزه، الگوی طراز قرآنی الگوی پیامبر(ص) است. محوری یا شاخصه های این الگو را می توان از طریق زندگی قبل از بعثت پیامبر تا صدر اسلام و پس از آن در دوران حیات نبوی در مدینه دریافت.

به نظر او همه این جنبه های الگویی را می توان از رهگذر آیات قرآنی که ذیل موضوعی خاص دسته بندی شده است، جستجو و درک نمود. (ر.ک: دروزه، ۱۹۶۴م، ص ۱۳؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱؛ ابن هشام، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴-۶)

برای کسی که با دقت و مطابق ترتیب نزول به قرآن نگاه می کند، آشکار می گردد که تمام سوره ها، مجموعه ها و فصل های قرآن، موضع گیری های متقابل پیامبر(ص) و محیط اجتماعی اوست. محیطی که در آن از یک سو مشرکان و اهل کتاب و منافقان قرار دارند و از سوی دیگر مومنان. یعنی هر سوره از آیات قرآن یا مجموعه ای از آیات، فصلی از زندگی پیامبر(ص) و موقعیت ایشان در میان کسانی است که دعوت او را پذیرفته یا برعکس در

تقابل با مشرکان، یهودیان و منافقانی است که از پذیرفتن دعوت او سر باز می‌زنند. (بنگرید به: دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۴۲)

دروزه ضمن تاکید بر پیوند بین وحی قرآنی و دعوت نبوی معتقد است مفاهیم بسیاری در قرآن بر تصویر پردازی های مواضع مردم زمان پیامبر و ارتباط آن با دعوت نبوی ناظر است. مثلاً در آیات بسیاری با توجه به مشرک بودن اعراب پیش از اسلام و گستره عقیده شرک در محیط مکه، وحی قرآنی و دعوت نبوی معطوف است به ایجاد بسترهای لازم برای هدایت آنان. در آیات دیگری موضوع بحث، جدل با اعراب و سرزنش آنهاست به خاطر برخی آداب و رسومی که دارند. تمام این مضامین به نحوی از رهگذر وحی بر زبان پیامبر و خطاب به آنان جاری شده است. (بنگرید به: دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۴۴)

شناخت مکی و مدنی، نقشی بسزا در شناسایی مراحل دعوت پیامبر اکرم (ص) و به دست آوردن خصوصیات روحی و اجتماعی مردم آن زمان دارد؛ هم چنان که موانع مختلف فکری و اجتماعی موجود در مسیر دعوت پیامبر را نیز نشان می‌دهد.

یکی از این نمونه‌ها، استناد دروزه به آیه ۶ سوره توبه است. موضوع این آیه لزوم پناه و امان دادن به مشرکان است تا فرصتی برای شنیدن پیام الهی داشته و در نتیجه بسترسازی لازم برای هدایت آنها فراهم گردد. دروزه معتقد است اولیاء الهی و از جمله پیامبر بر اساس آموزه‌های قرآنی باید تمام فرصت‌های ممکن برای هدایت انسان‌ها را فراهم آورند.

بر این اساس، رسول گرامی اسلام در سایه چنین آیاتی روش خردمندانه‌ای را در مدارا و دعوت به دین الهی، نصب العین خود قرار داد. این مطلب به گونه‌ای است که دروزه به روایتی استناد می‌کند که بخاری و نسایی از پیامبر آورده‌اند: «من آمن رجلا علی دمه فقتله فأنا بریء من القاتل و إن كان المقتول کافراً». (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۳۵۹؛ ابن هشام، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۹)

نمونه دیگر آیاتی است در سوره فتح که از دیدگاه این مفسر در آن ربط و وثیق سیره نبوی با آیات قرآنی قابل کشف است. ابن اسحاق در گزارش حوادث سال ششم هجری به عزم و قصد پیامبر (ص) برای انجام عمره گفته است: «چون پیامبر بیم آن را داشت که قریش با وی بجنگند یا از ورود او به مکه جلوگیری کنند، از اصحاب و بادیه نشینان اطراف

خواست تا با وی همراهی کنند، اما بسیاری از بادیه نشینان همراهی نکردند». (ابن اسحاق، ۱۳۵۵، ج ۳، ص ۳۲۲) سفری که در انتها صلح حدیبیه را در پی داشت و پیامبر پیروزمندانه به مدینه بازگشت و در اثنای بازگشت بین مکه و مدینه سوره فتح نازل گشت.

با توجه به این گزارش تاریخی، عزت دروزه آیات ۱۱-۱۲ و ۱۵-۱۶ سوره فتح را بهانه کرده و ضمن طرح موضوع دعوت پیامبر از اعراب برای زیارت خانه خدا، معتقد است همین نحوه دعوت بعدها در قالب آیات مذکور در این سوره منعکس شده است. (ابن هشام، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۹)

نمونه دیگر که بر مبنای آن می توان از رهگذر آیات قرآنی سیره پیامبر را شناسایی کرد، سیره احتجاجی و مناظره گونه پیامبر با برخی اهل کتاب در مدینه است. دعوت اهل کتاب و متوجه کردن آنان به حقیقت احکام الهی در کتاب هایشان و مناظره با برخی از نصارا نکته ای است که دروزه از آن برای تبیین جنبه های گوناگون سنت و سیره نبوی بهره گیری می کند.

او در فصلی که در بردارنده پنج دسته آیات در سوره آل عمران است موضوع مناظرات با یهودیان و با مسیحیان را با توجه به حضورشان در مدینه - که به نوعی مجادله و تحدی با آنها بوده - بررسی می کند. (بنگرید به: دروزه، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳) دروزه همچنین از مضمون آیات ۱۱۱ تا ۱۱۳ سوره بقره به نحوی سیره احتجاجی و مناظره بین پیامبر و گروهی از نصارا را استنباط می کند. (دروزه، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹)

نمونه دیگر قابل ذکر در این موضوع گزارش قرآن از نحوه رفتار برخی از مسلمانان در اثنای برگزاری نماز جمعه و تعامل پیامبر با آنان است. به نظر دروزه روح و اسلوب حاکم بر این آیات بیانگر نوعی رفتار از سوی مسلمانان قبل از نزول آن در سوره جمعه است. این آیات اهتمام لازم برای تغییر این رفتار را مورد تاکید قرار می دهد. (دروزه، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۳۸۳)

مفسر تفسیر الحدیث معتقد است که برگزاری نماز جمعه سنتی بود که حتی در مکه نیز توسط پیامبر(ص) انجام می گرفته است. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۳۳۶)

بر اساس روایتی دیگر در این تفسیر، پیامبر وقتی پس از هجرت به مدینه رسید در محل قبا مسجدی ساخت و در روز جمعه‌ای خطبه خواند و در همان مسجد نماز جمعه به جای آورد. به گفته دروزه آیات سوره جمعه یک باره نازل شده و در آن سه آیه، پراکنده نشدن مسلمانان را به هنگام دیدن کاروان تجارتي مورد تاکید قرار می‌دهد. به اعتقاد او در کل، نزول این سوره به منظور تاکید بر جنبه های دینی - اجتماعی مضامین آن بوده است. (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۳۳۶)

نتیجه گیری

- ۱- تفسیر الحدیث از جمله تفاسیری است که دروزه بر مبنای ترتیب نزول قرآن آن را تدوین کرده است. محمد عزت دروزه از رهگذر اهمیت قائل شدن به مصحف امام علی، این رویکرد تفسیری را موفق‌ترین روش تفسیری تلقی می‌کند.
- ۲- اساس تفسیر دروزه بر تقسیم آیات و سوره به مکی و مدنی از طریق استناد به قاعده سیاق و مضمون این آیات است.
- ۳- سیاق به مثابه قاعده مهم در فهم مکی و مدنی آیات و سوره، در نگاه عزت دوزه، گستره و کارآمدی‌های گونه گونی دارد از قبیل: روشنگری ترتیب نزول و بازشناسی روایات صحیح و غیر صحیح در حوزه مکی و مدنی، وضوح معنایی بخش‌های مختلف قرآن، مطالعه و شناسایی سیر تکاملی سیره نبوی و شناخت قوانین اجتماعی و حکومتی و...
- ۴- به رغم اهمیت سیاق در فهم مکی و مدنی، نقش روایات نیز قابل انکار نیست. با این حال عدم توجه به نقش روایات صحیح به ویژه به لحاظ جنبه‌های سبب نزول باعث گردیده دروزه در تفسیر صحیح قرآن و تبیین مکی و مدنی توفیق نداشته باشد. مواجهه تأمل برانگیز دروزه با آیاتی که موضوع آن ذی القربی، اجر پیامبر در رسالت، ولایت امام علی (ع) و مقولاتی از این دست آیات است که بر اساس روایات جنبه‌های مکی و مدنی بودنشان

آشکار و می توانسته در فهم و تفسیر آیات موثر واقع شود که در تفسیر دروزه چنین نشده است.

۵- وحدت موضوعی سور قرآن نقشی تعیین کننده در تشخیص مکی و مدنی واحدهای نزول قرآنی ایفا می کند. این وحدت موضوع به خصوص در سور مکی و سوره های کوتاه تر، آشکارتر است.

۶- آنچه در دیدگاه مفسر تفسیر الحدیث، در بحث مکی و مدنی کم اهمیت و یا نادیده گرفته می شود، ارتباط و تأثیر مکی و مدنی بودن سوره در کشف غرض آن است.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن اسحاق، محمد (۱۳۵۵)، *سیره ابن اسحاق*، مغرب: معهد الدراسات و الابحاث للتعریب.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۴۱۵ق)، *سیره النبی*، تحقیق و شرح مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دار الاحیاء تراث العربی.
- یازی، سید محمدعلی (۱۴۱۴ق)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: وزارت ارشاد.
- باقلانی، قاضی ابوبکر (بی تا)، *اعجاز القرآن*، تحقیق سید احمد صقر، قاهره: بی نا.
- حکیم، سید محمد باقر (۱۳۷۸ش)، *علوم قرآنی*، ترجمه لسانی فشارکی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث*؛ چاپ دوم، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- همو، (۱۹۹۳م)، *مذاکرات محمد عزه دروزه*؛ بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- همو، (۱۳۶۷ق)، *سیره الرسول*، قاهره: مطبعه الاستقامه.

- همو، (۱۹۶۴م)، **عصر النبى**، بیروت: دار الیقظة العربیة.
- رمضان یوسف، محمد خیر (۱۴۰۸ق)، **تکملة المعجم المؤلفین**، بیروت: دار ابن حزم
- زرکشی، بدرالدین محمد (۱۴۰۸ق)، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ق)، **الاتقان فی علوم القرآن**، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: موسسه الکتب الثقافیة.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفة.
- عواد، کورکیس (۱۹۶۹م)، **معجم المؤلفین العراقیین فی القرن التاسع عشر و العشرین**، بغداد: مطبعة الارشاد
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، **تفسیر قمی**، قم: دار الکتاب.
- کحالة، عمررضا (۱۴۱۴ق)، **معجم المؤلفین**، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- ملکی میانجی، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، **مناهج البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: مؤسسه الطباعة و النشر، وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱ش)، **علوم قرآنی**، قم: موسسه فرهنگي التمهيد.

Ups and Downs of Meccan and Medinan Issue in “Tafsir al-Hadith”

Mohsen Ghasempour^۱

Somayeh Khari^۲

Received: 2013/12/28

Accepted: 2014/05/01

Abstract

Darvaza is one of the contemporary interpreters of Quran whose exegesis is organized according to chronological order. One of his reasons for choosing chronological order is reaching a better understanding of the Quran based on its historical process of revelation. Darvaza has referred to Imam Ali's method (AS) in his collection of Quran after the demise of Prophet Mohammad (SA) as a verification for his choice. Emphasizing on literal context (*siyaq*) and observing the Meccan and Medinan division of the Quranic verses are the two basic principles on which he has based his interpretive method.

As he has focused on context and theme in his division of the suras, traditions are not of great status in his commentary and also all of his efforts are focused on explaining the thematic unity of the verses. Darvaza's approach at times, has resulted in an incorrect interpretation of the verses and he has distanced from the principles of interpretation including reference to sound traditions as an important source for understanding verses. However, he has succeeded in offering correct interpretation by his commitment to the role of chronological order of verses.

Key words: Al-Tafsir al-Hadith, Causes of revelation, literal context (*siyaq*), thematic unity, Meccan and Medinan suras.

^۱ Associate professor in Quran and Hadith at University of Kashan. (Responsible Author) ghasempour@kashanu.ac.ir

^۲ M.A. graduated in Quran and Hadith at University of Kashan.

s.khariani@yahoo.com